

رحیم فلاح

یکی از اشکال دخالت و استعمار دولت‌های خارجی در ایران، پدیده تحت‌الحمایه قرار دادن عوامل آنان است. این رخداد که در دوران سلطنت قجرها اوج گرفت، آغاز فرآیندی بود که به نوعی استعمار همه‌جانبه انجامید. در مقالی که پیش روی شماست، تاریخچه و ابعاد این روند مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

پایان جنگ‌های ۱۰ ساله ایران و روس و شکست تلخی که منجر به جدایی قسمت بزرگی از میهن ما شد، سبب گردید تا دخالت نمایندگان سیاست خارجی در امور داخلی ایران و حتی رخنه و نفوذ آنها در میان خانواده‌ها افزایش یابد. نمایندگان دولت فاتح روسیه در کمک به دخالت خارجیان بسیار مؤثر بودند. توسعه نفوذ خارجیان سبب شد عده‌ای از اتباع ایران برای فرار از مجازات یا راهی‌ای از زندان جلوگیری از تاراج اموال و دارایی خود به سفارتخانه‌های خارجی پناه ببرند و خود را تحت‌الحمایه آنها قرار دهند.

آغاز یک پدیده شوم در تاریخ معاصر ایران

در آن ایام شوم، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی از «مصونیت سیاسی» خود سوءاستفاده می‌کردند و حتی اصطیل‌های خود را محل «تحصن» و پست نشستن افراد قرار داده بودند. هر چه دوران ضعیف و عدم لیاقت صدر اعظم‌ها، اولیا، دولت و شاهان بیشتر می‌شد، به همان درجه دخالت مأموران دیپلماسی و مسئله پست‌نشینی و تحت‌الحمایه‌گی و پناه بردن به پرچم سفارتخانه‌های خارجی اضافه می‌شد تا جایی که به تدریج اهمیت سفارتخانه‌ها از امامزاده‌ها، شاه‌چراغ‌ها، مساجد و تکایا بیشتر شد. در بین پست‌نشینان، شاهزادگانی چون معتمدالدوله، فرهادمیرزا، سیف‌الدوله و بهمن‌میرزا نیز بودند که از ظلم و جور شاهان و صدراعظم‌های ایران به خارج‌یان پناه بردند. عده‌ای از رجال، چون میرزا آقاخان نوری خود را تحت‌الحمایه دولت فخیمه معرفی می‌کردند و بازار گالانی مثل برادران قندهاری، صمدخان رزا و... گاهی که اموال و دارایی‌شان در خطر بود فوراً در پناه سفارت و سفیر انگلیس قرار می‌گرفتند. از اینها که بگذریم مزدورانی چون کوچک‌خان دنبلی، عباسقلی‌خان سردار لاریجانی، سیدعبدالله شوشتری، تقی آشپز و غراف قراچی مستخدمین سفیر انگلیس و حسقلی خان و میرزاآقای شیرازی منشیان سفارت فخیمه نیز خود را تحت‌الحمایه انگلستان معرفی می‌کردند و با تحصن در سفارت انگلیس، بیش از پیش بر رونق بازار پست‌نشینی می‌افزودند. در این میان چند نماینده سیاسی انگلیس نیز بودند که در ترویج تحت‌الحمایه‌گی ایرانیان، تابعیت‌های خلق‌الساعه و تحصن بیش از همه تلاش می‌کردند. در رأس این عده کلنل شیل، استیوس، موره و تاهمن قرار داشتند که بیش از سایر دیپلمات‌های انگلیس در ترویج تحصن و تحت‌الحمایه‌گی می‌کوشیدند و از این راه مشکلات زیادی به وجود می‌آوردند.

اوج‌گیری حمایت انگلیس از مزدوران در دوران صدارت میرزا آقاخان

در دوران صدارت هفت ساله میرزا آقاخان نوری، یکی از وظایف عمده دیپلمات‌های انگلیسی در ایران، دخالت در کارهای دولتی و حمایت از عناصر مزدور، ناراضی‌ها و مجرمین بود. میرزا آقاخان نوری در نامه ۲۹ شعبان ۱۲۷۳ ش (۱۸۵۶م) خود اشاره به مداخله مأموران انگلیسی در امور داخلی ایران نموده و چنین می‌نویسد: «از قرینه و قیاس چنان استنباط می‌شود که این عهد دولت انگلیس با دولت ایران چندان بقا و بنیادی پیدا نکند به دلیل اینکه کار سفارت انگلیس در این مأموریتی که در ایران دارند این بود که متصل مداخله در امور داخلی کرد، انشراح ایرانی را حمایت کرده و خانه‌های خود را بست قرار می‌داند، به این وسیله خود را سایرین ممتاز می‌دانستند (اسناد و مدارک مأموریت امین‌الدوله- ص ۳۱۵).

نتایج نکتب‌بار دخالت مأموران انگلیسی در امور داخلی ایران و حمایت از سرسپردگان و نوکران صدیقشان آن‌قدر برای آنان رضایت‌بخش و مفید بود که هنگام انعقاد عهدنامه ننگین پاریس ۱۲۷۳ (۱۸۵۶م) نیز این عده فراموش نشدند. میرزا آقاخان می‌نویسد: خطرات همه فصول این عهدنامه یک طرف، خطر فصل یازدهم یک طرف، فصل یازدهم معاهده ننگین پاریس که صدر اعظم از آن وحشت داشت می‌گوید: «دولت ایران تعهد می‌کند که در ظرف سه ماه بعد از مراجعت سفارت انگلیس به طهران مأموری معین نماید که به اتفاق که دولت انگلیس معین می‌کند به دعاوی نقدینه رعایای انگلیس بر دولت ایران رسیدگی کرده و قطعی نمایند و نیز تعهد می‌نماید که هر یک از این دعاوی که به تصدیق مأموران رسیده باشد در ظرف مدتی که بیش از یک سال از تاریخ صدور حکم نباشد در یک دفعه تادیه نمایند». «هر تبعه ایرانی یا رعایای سایر دول که تا زمان حرکت سفارت انگلیس از طهران تحت حمایت انگلیس بوده و از آن به بعد آن را ترک ننموده‌اند، دعاوی و ادعایی بر دولت علیه داشته باشند مأمور مزبور به آن هم رسیدگی و حکم خواهد داد...»

ملاحظه می‌شود که انگلیسی‌ها چگونه از مزدوران و جیره‌خواران خود حمایت می‌کنند که حتی هنگام انعقاد قرارداد نیز ادعای واهی آنان را تثبیت می‌کنند. این ماده‌ا قرارداد ننگین چون شمشیر دام‌کش تا نیم قرن بعد بر گردن شاه و صدراعظم‌ها فشار می‌آورد و حتی سبب شد ادعاهای واهی میرعلیق‌ی خان- خان‌ترین ایرانی و فدایی بزرگ انگلستان- برآورده شود و شاه او را بطمطراق و جلال و شکوه بار داده و او خلعت مرحمت کرد.

با توجه به این مقدمه اینکه چند تن از سرسپردگان، تحت‌الحمایه و پست‌نشینان سفارت فخیمه را معرفی می‌کنیم:

حاجی سیف‌الدوله میرزا: سومین فرزند ذکور علیشاه ظل‌السلطان از جمله شاهزادگانی بود که دولت انگلیس، سال‌ها و ا‌الت اجرای مقاصد شوم سیاست استعماری خود در ایران کرده بود. حاجی سیف‌الدوله در مدت ۲۵ سالی که تحت‌الحمایه انگلیس بود چنان عملیات شرم‌آوری بر تکتب شد که حتی میرزا آقاخان نوری نیز او را فتنه‌جو، مفسد، هزوه و خائن می‌داند. حاجی سیف‌الدوله با همشیره محمدشاه از دواج کرد و وصلت با خاندان شاهی او را به دستگاه سلطنت نزدیک ساخت. مرگ فتحعلی‌شاه و



میرزا آقا خان نوری-صدر اعظمی که در دوران صدارت نوری پدیده تحت‌الحمایه‌گی رونق فراوان یافت

د

در دوران صدارت هفت ساله میرزا آقاخان نوری، یکی از وظایف عمده دیپلمات‌های انگلیسی در ایران، دخالت در کارهای دولتی و حمایت از عناصر مزدور، ناراضی‌ها و مجرمین بود. او در نامه ۲۹ شعبان ۱۲۷۳ ش خود، اشاره‌ای به مداخله مأموران انگلیسی در امور داخلی ایران نموده و چنین می‌نویسد: «کار سفارت انگلیس در این مأموریتی که در ایران دارند این بود که متصل مداخله در امور داخلی کرد. انشراح ایرانی را حمایت کرده، خانه‌های خود را بست قرار می‌داند، به این وسیله خود را از سایرین ممتاز می‌دانستند...»

نظری بر تاریخچه مددجویی از دولت‌های خارجی در ایران معاصر

اصطبل سفارت روس وانگلیس محل تحصن تحت‌الحمایه‌ها!

اختلافاتی که بین پسران او و مدعیان سلطنت ایران روی داده بود، سبب شد که علیشاه ظل‌السلطان پدر سیف‌الدوله خود را شاه ایران بداند و با کمک سفارت انگلیس به نام خود سکه بزند اما شکست قوای او از محمدشاه امید مدعیان سلطنت را مبدل به یأس کرد و فرزندان وی از ترس عقوبت و کشته شدن خود را در پناه انگلیسی‌ها جای دادند. انگلیسی‌ها نیز به حمایت از علیشاه ظل‌السلطان و فرزندان او برخاستند. **«میرعلیق‌لی‌خان:** یکی دیگر از کسانی که نام در هنگامه هرات و اسناد دولتی ایران و اسناد باگانی وزارت خارجه انگلیس، زیاد برده شده است، میرعلیق‌ی خان نامی است که مردی مفسدجو و از عهد فتحعلی‌شاه منشأ فتنه و فساد و شر بوده است (کتاب امیر کبیر و ایران- ص ۳۴۰). وی از اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه تا هنگام انعقاد قرارداد صلح پاریس یکی از عواملی بوده که سفارت انگلیس برای ایجاد حوادث، مبارزه قلمی و ارسال یادداشت از وجود او استفاده می‌کرده است. خدمات این جیره‌خوار خان به دولت انگلیس آن‌قدر آرزنده بود که نخست‌وزیر انگلستان به او یک حلقه انگشتر الماس هدیه داد. انگلیسی‌ها همیشه به جاسوسان و خدمتگزاران و جیره‌خواران خود املاک‌های آفریقایی جنوبی را می‌دهند. چنانکه در جنگ بین‌المللی اول یکی از نوکران ایرانی آنها که موفق شده بود رمز واسموس آلمانی را به دست آورده و سبب دستگیری او شود، به دریافت یک قطعه برلیان قیمتی مفتخر شد. سه فرزند ذکور این مرد در جنگ بین‌الملل دوم و اشغال ایران در طرف‌داری از انگلستان، از هیچ‌گونه اقدامی خودداری نکردند و هم‌اکنون نیز بزرگ‌ترین مؤسسات اقتصادی و مالی را در اختیار دارند.

«حاجی عبدالکریم قندهاری: بازرگانی بود از اهل کرشک از نواحی قندهار که در سال ۱۲۲۰ هـ- ۱۸۰۵ م) از قندهار به‌سوی سایر شهرهای ایران آمده و مشغول کسب و تجارت می‌شود. خود او در سال‌های بعد نام‌های به کنت دوگوبینو وزیر مختار انگلیس نوشته و درباره ملیت و موطنش چنین می‌نویسد: «من استشهادی دروغ از ترس حاجی میرزا آقاسی کردم و هزار نفر افغان در طهران می‌دانند من قندهاری و از اهل کرشکم...» حاجی قندهاری پس از مدتی که از قندهار به تهران آمد با نمایندگان سیاسی انگلیس رابطه مخفی ایجاد کرد و در سلک جاسوسان و عمال آنان درآمده و از این راه

ثروت هنگفتی که بالغ بر یکصد هزار تومان می‌شد به هم رسانید. حاجی میرزا آقاسی نخستین صدراعظمی بود که او را به علت داشتن ارتباط مخفی با انگلیسی‌ها و جاسوسی برای دیپلمات‌های انگلیسی تنبیه و مجازات کرد. مأموران حاجی در دستگیری و مجازات او آن‌قدر به سرعت عمل کردند که وی نتوانست به سفارت انگلیس پناه ببرد با انگلیسی‌ها از او حمایت کنند. بدین سبب بعد از مدتی که از شد استشهادی تنظیم و به مهر و امضای عده‌ای رساند که اهل شکارپور و تبعه انگلیس است نه متولد قندهار و ایرانی.

در دوران صدارت میرزا تقی‌خان امیر کبیر که وصول مالیات و عوارض عمومی اجباری شد، حاجی قندهاری برای فرار از پرداخت مالیات، خود را تبعه انگلیس و معاف از پرداخت مالیات دانست و کلنل شیل انگلیسی نیز برای او تذکره انگلیسی صادر کرد. وقتی مأموران امیر کبیر برای او تذکره انگلیسی صادر کردند، کلنل شیل نامه زیر برای امیر نوشت: «به اولیای دولت ایران به صراحه اظهار می‌دارد که حاجی عبدالکریم رعیت خلص دولت انگلیس است و با بشیرت (پاسپورت) رعیتی دولت انگلیس را هم در دست دارد و از نوشتن و اسناد دادن این قبیل ایرادات به هیچ وجه منفعتی در رعیت و مطالبات او و اشخاصی که تذکره رعیتی دولت انگلیس را در دست دارند نمی‌رسد و دولت انگلیس مطالبات حاجی مکرار به راز هر کسی که باشد به قسمی مطالبه خواهد کرد که مطالبات رعایای متولد شده در خود لندن را مطالبه می‌کند و در مطالبات مشار‌الیه اصلا تفاوتی نخواهد کرد.»

«میرزا آقای شیرازی: یکی از حقوق‌بگیران و مزدوران انگلیس در دوران سلطنت محمد شاه و ناصرالدین شاه بود که صدراعظم نوری به او لقب «میرزا آقای حرام‌زاده» داده بود. اسناد و مدارک امین‌الدوله- ص ۳۲۰). او در سال‌های که حاجی میرزا آقاسی صدراعظم ایران بود، خود را به سفرای انگلیسی فروخت و تحت‌الحمایه دولت بریتانیا شد. میرزا آقای شیرازی از بدو خدمت در سفارت انگلیس ماهی ۴۰۰ تومان حقوق می‌گرفت و واسطه ملاقات‌ها و گفت‌وگوی محرمانه کلنل شیل با عمال جیره‌خوار انگلیسی‌ها بود، اما به خاطر اختلافی که وی با حسین قلی‌خان منشی دیگر سفارت پیدا کرد و شاید به علت سوءظنی که کلنل شیل به او داشت، از خدمت سفات معزول شد.

۱- حقوق‌بگیران انگلیس در ایران، نویسنده: اسماعیل رائین، چاپخانه علمی سال ۱۲۷۲

۲- اسناد و مدارک مأموریت امین‌الدوله



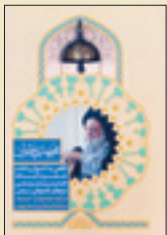
نمایی از تحصن رازایان در باغ سفارت انگلستان در دوران نهضت مشروطه

پیش‌خوان

به بهانه انتشار زندگینامه و شمه‌ای از خاطرات عالم مجاهد آیت‌الله سیدمر تقی مستجابی (مستجاب‌الدعواتی)

پشتیبان مجاهدان و پناه مظلومان

محمد رضا کائینی



این قلم دو دهه آشنایی خویش با عالم آعارف و مجاهد حضرت آیت‌الله حاج سید مر تقی مستجابی را در زمره الطاف گرانگست حضرت

حق نسبت به خویش می‌شمارد. آن بزرگ در زمره مبارزان دیرپای طریق استقلال و آزادی ایران در دوران پس از شهریور ۲۰ به شمار می‌رود و از آن رویدادها، خاطراتی ارجمند در ذهن دارد. چندی پیش و پس از سال‌ها، همایشی برای نکوداشت وی در اصفهان برگزار شد و متعاقب آن اثری شامل زندگینامه و شمه‌ای از خاطرات ایشان نشر یافت. آیت‌الله مستجابی در مقدمه‌ای کوتاه بر این مجموعه آورده است: «سیاس بکران پروردگار جهانیان و خداوند عالم و قادر را که بنسده خاطی خود را قریب یک قرن به انواع نعمت‌ها متمتع نمود و با عنایات ویژه خویش او را که ذره‌ای ناچیز بوده و هست، به خوشه‌چینی و سرافرازی در ورزش جسم و جان در ذکر خانه زورخانه مختفر فرموده و او را که قدرت دفع و رفع کمترین خطر از خویش را نداشت و نسلارد، در مصاف با جنود جهل و نادانی و لشکریان ناتوانی و نامردمی به قدر ظرف وجودی‌اش پیروز ساخت؛ در حالی که قدرت و توان کمترین سیاس‌گذاری از این همه عنایت و نعمت او را نداشته و ندارد و همواره خود را در مقابل دریا دریا عنایت و لطف و شرمسار و ناتوان می‌بیند. فلم را مولا کریم‌آ صبر



آیت‌الله سید مر تقی مستجابی در کنار شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر، شهید آیت‌الله سید محمد صدر، سید محمود آیت‌الله هاشمی شاهرودی و حجت‌الاسلام سید عبدالعزیز حکیم

مردم بوده و هست. در وصف او بزرگانی مانند آیت‌الحق و العرفان علامه میرسیدعلی فانی می‌توانند بگویند و بسرایند که در لابه‌لای این کتاب، اقوال و کلمات و اشعار بزرگان را در وصف و مدح او خواهید خواند.»

نویسنده مقدمه در ادامه نوشتار خویش، به چند و چون تدوین اثر و نیز چالش‌های آن پرداخته است. وی در این باره چنین می‌نویسد: «در پایان گفتنی است آنچه آیت‌الله مستجابی در این کتاب از خاطرات خود فرموده‌اند، حاصل مشاهدات مستقیم ملاحظه است که پس از گذشت حدود شش دهه از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود به قلم آورده یا شافاه فرموده‌اند و تاریخ‌هایی که در بین گفته‌هایشان به چشم می‌خورد، از ارائه چنین کتابی، آن هم در نهمین دهه عمر پربرکتش، هر چند دیر به نظر می‌رسد، اما باز هم جای خالی‌اش احساس می‌شود؛ البته خود همیشه به ما می‌فرمود این کار چه فایده‌ای دارد؟ و همواره نگران برداشت‌های خوانندگان بود و اینکه نخواهند توانست با مطالعه این اثر، مستجابی واقعی را بشناسند و بفهمند؛ از ته قلب نیز هیچ‌گاه راضی به چاپ چنین کتابی نبود؛ اما این همه، مستجابی عزیز که عمرت را در راه خدمت به دین و آیین و ملت و کشور سپری کردی و هیچ‌گاه چیزی برای خود نخواستی و بر او گذشته و چه کرده و چه دیده و شنیده، و به گونه زیسته و به‌سر برده است اما، با این همه، مستجابی نیست! تعجب نکنید، همه این اسناد و تصاویر واقعی است و نوشته‌ها، از خود اوست؛ اما مگر می‌توان آب دریا را در کوزه ریخت؟ به فرموده خودش، اینها، یک‌صدم مستجابی واقعی هم نیست و نمی‌تواند گویای شخصیت و منش و حیات

علی عبد لثیم منک علی یسار ب، خداوند کریمی که طعم شیرین عنایت خاص خویش را لحظه به لحظه در تمامی طول عمر در سراسر ارکان وجود و در سیر افقی و انفسی به این بنده چشاندند است، امشب نیز در شهرالله الاعظم و در ضیافت الهی و در شب میلاد مسعود و با کرامت سبط اکبر و کریم‌اهل‌البیت علیهم‌السلام حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلوه و السالام، بر خوان گسترده دیگری از کرامت‌ها و عنایات خویش تشلاند و در ایمن روزهای راستین این مرز و بوم، ارادت‌نمندان بی‌شائبه شامردان و علاقه‌مندان دانش و ورزش در محل چهلستون اصفهان، که خود نمادی و نمودی از چندین قرن گردش روزگار و پیچ و خم دوران و پستی و بلندی ایام است، ناآل ساخت.»

علی کرباسی‌زاده اصفهانی تدوین‌گر این اثر تاریخی نیز در دیباچه‌ای بر این یادمان، به شرح ذیل به توصیف فرمان‌داستان خویش پرداخته است: «آنچه در این کتاب از خاطرات و نوشته‌ها تا اسناد و تصاویر می‌خوانید و می‌بینید، هم مستجابی هست و هم نیست! آری، به ظاهر، نوشته‌هایی از او، اسنادی درباره وی و تصاویری از خود ایشان است. این که با چه کسانی بوده و چه احوالی بر او گذشته و چه کرده و چه دیده و شنیده، و به گونه زیسته و به‌سر برده است اما، با این همه، مستجابی نیست! تعجب نکنید، همه این اسناد و تصاویر واقعی است و نوشته‌ها، از خود اوست؛ اما مگر می‌توان آب دریا را در کوزه ریخت؟ به فرموده خودش، اینها، یک‌صدم مستجابی واقعی هم نیست و نمی‌تواند گویای شخصیت و منش و حیات

و به کار گیریم.»